

دفترچه شماره ۱

آزمون سراسری ورودی دانشگاه‌های کشور - سال ۱۳۹۱

آزمون عمومی
گروه آزمایشی علوم ریاضی

مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره	وقت پیشنهادی
زبان و ادبیات فارسی	۲۵	۱	۲۵	۱۸ دقیقه
زبان عربی	۲۵	۲۶	۵۰	۲۰ دقیقه
دین و زندگی	۲۵	۵۱	۷۵	۱۷ دقیقه
زبان انگلیسی	۲۵	۷۶	۱۰۰	۲۰ دقیقه
تعداد کل سؤالات: ۱۰۰		مدت پاسخ‌گویی: ۷۵ دقیقه		

وقت پیشنهادی: ۱۸ دقیقه

زبان و ادبیات فارسی

- ۱- مترادف واژه‌های «چرب‌زبانی - گام - ستیزه کردن - گفت‌وگو - رفت‌وآمد» کدام است؟
- (۱) مطاوعه - قدوم - مجادله - مکاتبه - مراوده
(۲) مجامله - قدوم - معارضه - مکاتبه - مسالمت
(۳) مجامله - خطوه - معارضه - محاوره - مراوده
(۴) مطاوعه - خطوه - مجادله - محاوره - مسالمت
- ۲- معنی واژه‌های «ادبار - ارتجالاً - افگار - ابرش - ابدال» به ترتیب، کدام است؟
- (۱) بدبختی - مردانگی - نیش‌دار - ابری - جانشین‌ها
(۲) بدبختی - بی‌درنگ - آزرده - اسب - نیک‌مردان
(۳) پشت کردن - مردانگی - آزرده - اسب - جانشین‌ها
(۴) روی نمودن - بی‌تأمل - ابری - نیک‌مردان
- ۳- چند مورد از واژه‌های زیر، درست معنی شده‌اند؟
- (موزن: شعر برداز) - (نماز بردن: تعظیم کردن) - (محضر: حاضر شدن) - (مسعی: تلاش‌کننده) - (ملهی: آلت لهو) - (کهل: ناتوان) - (قتیل: مقتول) - (قصور: عیب) - (زخم درای: ضربه‌ی پتک) - (شرزه: خشمگین)
- (۱) شش (۲) هشت (۳) هفت (۴) نه
- ۴- در متن: «... و هر صاحب فراستی داند که هیچ‌کس از سهو و ذلت مصون و معصوم نتواند بود و هرگاه که به قصد و عمد منصوب نباشد مجال استعفا و تائی اندر توابع و لواحق آن هر چه فراخ‌تر است» چند غلط‌املائی وجود دارد؟
- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار
- ۵- املائی واژه‌های مهمی گروه‌ها به استثنای تماماً درست است.
- (۱) حسن‌الظنی مقبول - شجاع صفدر صدیق - قلمرو حیوانی تنازع - سروده و تصنیف
(۲) در اثنای فراغت - اندلس و صقلیه - حصین و آراسته - در زی اهل صلاح
(۳) ابویعقوب الاقطع - غالبه و عنبر - هتاکی و هرج و مرج - اساس تزویر
(۴) مبتدل و تصنعی - تلالؤ قندیل زیبای پروین - شدت لهب فراغ - مغلول و مسلسل
- ۶- نام نویسنده‌ها یا سراینده‌های «انسان و اسرار شب - سراب - از زبان برگ - سد و بازوان - در بهشت شداد» به ترتیب کدام است؟
- (۱) عباس خلیلی - هوشنگ ابتهاج - شفیعی کدکنی - طاهره صفارزاده - جلال رفیع
(۲) موسوی گرمارودی - سایه - شفیعی کدکنی - فاطمه راکعی - جلال رفیع
(۳) عباس خلیلی - اخوان ثالث - هوشنگ ابتهاج - طاهره صفارزاده - عبدالحسین وجدانی
(۴) موسوی گرمارودی - هوشنگ ابتهاج - عباس خلیلی - فاطمه راکعی - عبدالحسین وجدانی
- ۷- انتساب چند اثر به نویسنده یا سراینده‌ی آن درست نیست؟
- (مرثیه‌ای که ناسروده ماند: پرویز خرسند) - (سه پرسش: لئون تولستوی) - (کشف الاسرار: رشیدالدین میبیدی) - (لطایف الطوائف: مجد خوافی) - (زاد المسافرین: ناصر خسرو) - (مسئولیت شیعه بودن: دکتر شهیدی) - (در کوچه‌ی آفتاب: سلمان هراتی) - (از گلوی کوچک رود: مصطفی علی‌پور) - (گنجشک و جبرئیل: قیصر امین‌پور)
- (۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج
- ۸- محتوای کدام نوشته‌ها با دیگر موارد متفاوت است؟
- (۱) الایام - دانشگاه‌های من (۲) بدایع الوقایع - حیات یحیی (۳) روزها - از پاریز تا پاریس (۴) یکی قطره باران - فرار از مدرسه
- ۹- ترتیب قرار گرفتن ابیات به لحاظ داشتن آرایه‌های ایهام، حسن تعلیل، تلمیح و تشبیه کدام است؟
- (الف) خون دل مشتاقان خوردست لب لعلت
(ب) ای نسیم سر زلفت دم جان‌بخش مسیح
(ج) نخواهم دامن مهرت ز دست دل رها کردن
(د) گو مکن شور و مکن کوه به تلخی فرهاد
- (۱) ب - الف - د - ج (۲) ج - الف - د - ب
- ۱۰- در کدام بیت بیش‌ترین آرایه‌ی تضاد وجود دارد؟
- (۱) شور فرهادم به پرسش سر به زیر افکنده بود
(۲) قناعت می‌کنم با درد چون درمان نمی‌یابم
(۳) شیرین ننماید به دهانش شکر وصل
(۴) گردون مرا ز محنت هستی رها نخواست
- ۱۱- آرایه‌های مقابل همه‌ی ابیات به استثنای بیت تماماً درست است.
- (۱) گر به مراد من روی و نروی تو حاکمی
(۲) چشم که بر تو می‌کنم چشم حسود می‌کنم
(۳) شهری اگر به قصد من جمع شوند و متفق
(۴) دردی است در دلم که گر از پیش آب چشم
- من به خلاف رأی تو گر نفسی ز منم، ز منم (جناس تام - ایهام)
شکر خدا که باز شد دیده‌ی بخت روشنم (جناس ناقص - استعاره)
با همه تیغ برکشم وز تو سپر بیفکنم (مجاز - تضاد)
برگیرم آستین برود تا به دامنم (اغراق - حسن تعلیل)

۱۲- مراحل تجزیه‌ی همی واژه‌ها به عناصر سازنده‌ی آن‌ها، در همی گزینه‌ها به‌استثنای درست است.

- ۱) وابستگی ← (وابسته + ی) ← (وا + بست) ← (بست + ه)
- ۲) دانشجویی ← (دانشجو + یی) ← (دانش + جو) ← (دان + ـش)
- ۳) ناخودآگاهی ← (ناخودآگاه + ی) ← (نا + خودآگاه) ← (خود + آگاه)
- ۴) پژوهشگری ← (پژوهشگر + ی) ← (پژوهشگر + گر) ← (پژوه + ـش)

۱۳- در همی عبارات به‌استثنای «متمم اسم» یافت می‌شود.

- ۱) نثر فنی، نثری است شعروار که دارای زبان تصویری و سرشار از آرایه‌های ادبی است. در این نوع نثر از آیات و احادیث استفاده می‌شود.
- ۲) نثر فارسی، معرف ذوق درخشان و والای ایرانیان است که مردم، آن را شایسته‌ی نگهداری می‌دانند و به‌خوبی آن را حفظ می‌کنند.
- ۳) به شوق دیدن زیبایی‌های کویر و لذت بردن از نمودهای طبیعت در بیابان‌های فراخ از تهران آهنگ کرمان کرد.
- ۴) ادبیات، یکی از گونه‌های هنر است و کلمات، مصالح و موادی هستند که نویسنده یا شاعر با بهره‌گیری از عواطف خویش آن‌ها را به‌کار می‌گیرد.

۱۴- تعداد تکواژهای کدام عبارت بیش از سایرین است؟

- ۱) شیرین‌ترین لبخند بر لبان اراده‌ی پولادین تو جلوه‌گرت.
- ۲) در گذرگه تاریخ ایستاده‌ای و بشریت رهگذار را می‌آشامانی.
- ۳) مردنی چون مرگ پیروزمندان غبطه‌ی بزرگ زندگانی شد.
- ۴) و فلق، محرابی سرخگون است که تو در آن نماز صبح شهادت را گزارده‌ای.

۱۵- با توجه به بیت زیر، «ی» در آخر کدام واژه پسوند تصریفی است؟

- «به سوزی ده، کلامم را روایی»
- ۱) سوزی
 - ۲) روایی
 - ۳) گرمی
 - ۴) گدایی

۱۶- با توجه به بیت زیر، کدام گزینه درست است؟

- «خلد گر به پا خاری، آسان برآید»
- ۱) بیت از چهار جمله‌ی خبری درست شده است.
- ۲) دو قید و دو ممتنع قیدی در بیت مشاهده می‌شود.
- ۳) چهار فعل مضارع وجود دارد که نهاد جدا در سه مورد، به قرینه محذوف است.
- ۴) در بیت، چهار حرف اضافه وجود دارد.

۱۷- معنی «المَلِكُ يَبْقَى مَعَ الْكُفْرِ وَ لَا يَبْقَى مَعَ الظُّلْمِ» با کدام «رباعی» یکسان است؟

- ۱) ظلم از دل و دست ملک نیرو ببرد
 - ۲) گر تقویت ملک بری ملک بری
 - ۳) از ظلم حذر کن اگر ت باید ملک
 - ۴) نه هر که ستم بر دگری بتواند
- عادل ز زمانه نام نیکو ببرد
ور تو نکنی هر که کند او ببرد
هر یک به مراد خویشان ملکی راند
دریاب که از تو هم چنین خواهد ماند
در سایه‌ی معدلت بیاساید ملک
با ظلم و ستمگری نمی‌پاید ملک
بی‌پاک چنان که می‌رود می‌راند
ناچار زمانه داد خود بستاند

۱۸- ابیات زیر با کدام بیت تقابل معنایی ندارد؟

- «کهتری را که مهتری یابد»
- «خرد شاخی که شد درخت بزرگ»
- هم بدان چشم کهتری منگر»
در بزرگیش سرسری منگر»

- ۱) نگوید کس که ناکس جز به چاه است
- ۲) هر آن کهتر که با مهتر ستیزد
- ۳) همی دانم که گر فربه شود سگ
- ۴) هرگز به مال و جاه نگرود بزرگ نام

۱۹- مفهوم عبارات «کجا هستند پادشاهانی که به هنگام نوشیدن ساغر مرگ، در این کاخ‌ها فرامانروایی می‌کردند؟ چه بناهایی که صبح برپا بود و

عصر ویران گشت!» با همی ابیات به‌استثنای بیت تناسب دارد.

- ۱) خون دل شیرین است آن می که دهد رزین
 - ۲) چندین تن جباران کاین خاک فروخورده است
 - ۳) گفتی که کجا رفتند آن تاجوران اینک
 - ۴) پرویز به هر بومی زرین تره آوردی
- ز آب و گل پرویز است آن خم که نهد دهقان
این گرسنه چشم آخر هم سیر نشد ز ایشان
ز ایشان شکم خاک است آستن جاویدان
کردی ز بساط زر زرین تره را بستان

۲۰- مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟

- ۱) آتش به دو دست خویش در خرمن خویش
 - ۲) گرچه دانم که نیک بد کردم
 - ۳) کفن بر تن تند هر کرم پیله
 - ۴) من نیک تو خواهم و تو خواهی بد من
- من خود زده‌ام چه نالم از دشمن خویش
چه توان کرد چون که خود کردم
برآرد آتش از خود هر چناری
تو نیک نبینی و به من بد نرسد

۲۱- مفهوم همهی ابیات به‌استثنای بیت با یکدیگر تناسب دارد.

بوی زلف تو همان مونس جان است مرا
گر از آن یار سفر کرده پیامی داری
وز رفیقان ره استمداد همت می‌کنم
تو می‌روی به سلامت سلام ما برسانی

(۱) از صبا پرس که ما را همه شب تا دم صبح
(۲) ای صبا سوختگان بر سر ره منتظرند
(۳) با صبان افتان و خیزان می‌روم تا کوی دوست
(۴) من ای صبا ره رفتن به کوی دوست ندانم

۲۲- مفهوم بیت زیر با کدام بیت تناسب دارد؟

پای بر فرق فرقدان بینی»

می‌نهد با صد تردد بی‌یقین
دست قدرت نگر و منصب صاحب جاهی
کز دست غمش جامه‌ی جان چاک نکردند
سر دهد بر باد و تن بر سر نهد

«هم در آن پابره‌نه جمعی را

(۱) پای پیش و پای پس در راه دین
(۲) خشت زیر سر و بر تارک هفت اختر پای
(۳) من طایفه‌ای بر سر آن کوی ندیدم
(۴) هر که پا از حد خود برتر نهد

۲۳- بیت زیر با کدام بیت، قرابت معنایی ندارد؟

سرت ز آسمان بگذرد در شکوه»

به غیبت نگرداندش حق‌شناس
دریده ندیدی چو گل پیرهن
دهان جز به لؤلؤ نکردند باز
چو چنگ ای برادر سر انداز پیش

«اگر پای در دامن آری چو کوه

(۱) زبان آمد از بهر شکر و سپاس
(۲) چو غنچه گرت بسته بودی دهن
(۳) صدق‌وار گوهرشناسان راز
(۴) نخواهی که باشی چو دف روی ریش

۲۴- بیت زیر با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

مجموع اگر نشستم و خرسند اگر شدم»

پس آن‌گه بر من مسکین جفا کردن صوابستی
که وفاداری در شیوه‌ی خوبان عار است
که هر کو شمع جان جوید غم جانش نمی‌بینم
که دوستان وفادار بهتر از خویشند

«بیزارم از وفای تو، یک روز و یک زمان

(۱) اگر دانی که تا هستم نظر جز با تو پیوستم
(۲) ز وفا چشم نمی‌دارم چون می‌دانم
(۳) دلا بیزار شو از جان اگر جانان همی خواهی
(۴) مرا به علت بیگانگی از خویش مران

۲۵- مفهوم بیت زیر با کدام بیت متناسب است؟

مهرم به جان رسید و به عیوق بر شدم»

از قند و از گلزار او چون گل شکر پرورده‌ام
با یار خود آمیختم زیرا درون پرورده‌ام
با منکران دی‌صفت هم‌چون خزان افسرده‌ام
ماه‌ی شوم رومی رخی، گر زنگی نو برده‌ام

«چون شب‌نم اوفتاده بدم پیش آفتاب

(۱) مستم ولی از روی او غرقم ولی در جوی او
(۲) در جام می آویختم اندیشه را خون ریختم
(۳) با دلبران و گلرخان چون گلبنان بشکفته‌ام
(۴) روزی که عکس روی او بر روی زرد من فتد

وقت پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

زبان عربی

■ عین الأصحّ والأدقّ في الأجابة للترجمة أو التعريب أو المفهوم (۳۳-۲۶):

۲۶- «کلمة خير تفيد، أفضل من كتاب لا فائدة له!»:

(۱) کلمه‌ی خوب پرفایده، بهتر از آن کتابی است که فایده‌ای به کسی نرساند!

(۲) سخن نیکی که تو از آن بهره ببری، برتر است از کتابی که هیچ فایده‌ای نرساند!

(۳) یک کلمه‌ی خوب که مفید باشد، بهتر از کتابی است که هیچ فایده‌ای نداشته باشد!

(۴) یک سخن نیک که فایده‌ای برساند، بهتر از آن کتابی است که فایده‌ای در آن نباشد!

۲۷- «من عرف الدنيا معرفةً حقیقیةً، لاتخدع قلبه ظواهرها الخلابة!»:

(۱) اگر کسی واقعاً دنیا را بشناسد، ظاهر دلربایش او را فریب نمی‌دهد!

(۲) آن‌که حقیقت دنیا را شناخته باشد، ظاهر فریبنده‌ی آن فریبش نمی‌دهد!

(۳) آن کسی که دنیا را عمیقاً شناخت، به ظواهر خوش آن دلخوش نمی‌کند!

(۴) کسی که دنیا را به‌طور واقعی بشناسد، ظواهر دلربای آن قلبش را نمی‌فریبند!

۲۸- «كانت المدرسة قد دعت بعض صديقاتي إلى حفلة نجاحنا بعد امتحانات نهاية السنة!»:

- (۱) پس از امتحانات آخر سال، مدرسه بعضی دوستانم را به جشن قبولیمان دعوت کرده بود!
 - (۲) بعد از قبولی در امتحانات پایان سال، مدرسه برخی دوستان را به جشن قبولیام دعوت کرد!
 - (۳) مدرسه‌ی ما بعد از امتحانات پایان سال، برای جشن موفقیت ما بعضی دوستان را دعوت کرده بود!
 - (۴) مدرسه به خاطر قبول شدن ما در امتحانات آخر سال، برخی دوستان را به جشن قبولی ما دعوت کرد!
- ۲۹- «أخذتني الدهشة عندما وجدت في بعض الكتب آراء و نظريات كان المسلمون قد طرحوها لأول مرة!»:

- (۱) شگفتی مرا فراگرفت زمانی که افکار و نظراتی را که برای بار اول مسلمین در برخی کتابها مطرح کرده بودند یافتم!
- (۲) حیرت مرا فراگرفت هنگامی که در بعضی کتابها آرا و نظریاتی یافتم که مسلمانان برای اولین بار آنها را مطرح کرده بودند!
- (۳) دچار تعجب شدم وقتی دریافتم در بعضی کتابها آرا و نظریاتی از مسلمانان آمده که برای نخستین بار آنها، آن را طرح کرده بودند!
- (۴) دچار حیرت و تعجب شدم هنگامی که افکار و نظراتی را که توسط مسلمین برای بار نخست طراحی شده بود در آن کتابها یافتم!

۳۰- عین الخطأ:

- (۱) حين كان المدير يعلّق الوسام على عنق التلميذ المثالي قال له: لم يشاهد في المدرسة من يشبهك! مدير هنگامی که نشان را بر گردن دانش آموز موقّق آویزان می کرد به او گفت: کسی مانند تو در مدرسه دیده نخواهد شد!
- (۲) لأجعل ذلك الشهيد أسوة لنفسي لأنه كان قد تحمّل المصاعب و أصبح عالماً كبيراً! باید آن شهید را الگویی برای خود قرار دهم زیرا او سختی‌ها را تحمل کرده و دانشمند بزرگی شده بود!
- (۳) لا أتذكر أنني قد واجهت حقائق حياتي المرّة بتساؤم و قلق و يأس! به خاطر نمی آورم که با حقایق تلخ زندگی‌ام با بدبینی و اضطراب و نومیادی مواجه شده باشم!

- (۴) لا تعاشري التي تكذب من أجل زخارف الدنيا أبداً! هرگز با کسی که به خاطر زر و زیورهای دنیا دروغ می گوید معاشرت مکن!

۳۱- عین الخطأ في المفهوم:

- (۱) لا خير في ودّ امرئ متلون! لا فائدة في من تختلف سريره عن علانيته!
- (۲) ربّ ظمآن بصفو الماء غصّاً! لا خير في الآمال التي نضرنّا لأنها تهلكنا بعض الأحيان!
- (۳) البرّ أن تعمل في السرّ عمل العلانية! قلب المؤمن كنوز الأسرار فإعلانها خلاف البرّ!
- (۴) متى ما تلق من تهوى دع الدنيا و أهملها! إن دخلت محبة الخالق في القلب يخرج حبّ الأمور الدنيوية منه!

۳۲- «مقدمه‌ی کتابم پنج صفحه است و چهار سال پیش آخرین صفحه‌ی آن را نوشتم!» عین الصحیح:

- (۱) مقدّمه کتابی خمس صفحات و كتبت آخر صفحة منها قبل أربع سنوات!
- (۲) لکتابی خمس صفحات من المقدّمه و كتبت آخر صفحة منه قبل رابع سنوات!
- (۳) الصفحات الخمسة لمقدّمه کتابی و قبل أربع سنوات قد كتبت صفحة الأخيرة منه!
- (۴) هناك خامسة صفحات لمقدّمه کتابی و قبل رابع سنين كتبت الصفحة الأخيرة منها!

۳۳- عین الخطأ:

- (۱) خير و نيكي را جز با خوبی جواب مده! لا تردّ الخير إلّا بالخير!
- (۲) صبور پیروزی را با صبر به دست می آورد! يحصل الصبور على الظفر بالصبر!
- (۳) کسی که نصیحت را به تو هدیه کند، آن را بپذیر! اقبل كلّ نصيحة أهداها إليك!
- (۴) در دشمنی با دشمنان نه افراط کن و نه تفريط! لا تُفرط و لا تُفرط في العداوة مع الأعداء!

■ اقرأ النصّ التّالي بدقّة ثمّ أجب عن الأسئلة (۴۲-۳۴) بما يناسب النصّ:

إنّ فلاحاً كان يعمل في حقله و لم تكن له أموال و لا أولاد تساعده، فكبر و ضعّف و كان من آماله أن يرى حقله مليئاً بالأشجار و النباتات مثل البساتين المجاورة له! و قد أصبح الحقل فارغاً لم يكن فيه نبات أو شجرة! ...

كلّ يوم كان يمشي في بستانه و كانت الحسرة رفيق ساعاته و أيامه! يرى هنا و هناك فأرات في إياب و ذهاب... كان يتصوّر أنّها من أسباب بروز هذه المشكلة... الموت لها!... لماذا خلقها الله العليم؟! ألهذه الفأرات اللعينة خير؟!... مرّت الأيام و مضت السنوات... جاء الشتاء... قرّب الربيع...

يا للعجب! كأنّ الحقل على وشك تغيير عظيم! ما هذه النباتات؟! من كان ذلك الموجود الطيب الذي غرس بذور هذه الأشجار؟!... مرّت الأيام و امتلأ الحقل بالأوراق و بالأغصان... و أخيراً كشف السرّ... كانت تلك اللعينات تأتي بالحبوب و تدفنها تحت التراب لكنّها تنساها، فبعد مرور زمن... حدث ما حدث!

۳۴- من أسباب جفاف البستان و زواله أن

- (۲) الفأرات تمنع إيصال المواد اللازمة إلى الأشجار!
(۴) هناك لم يكن أحد يقدر أن يواظبه و يحفظه!

(۱) البذور كانت فوق التراب و الفأرات تأكلها!

(۳) أولاد صاحب البستان ما كانوا يحافظون عليه!

۳۵- صف لنا صاحب البستان: كان

- (۲) غنيّاً سيّئ الخلق يشتم كل شيء يراه!
(۴) محبّ الطبيعة و كل ما فيها، لكنّه لم يكن يقدر أن يراها!

(۱) وحيداً في عمله لكنّه لم يكن مأيوساً!

(۳) متشائماً مبعوضاً يكره الحياة و ما فيها من المخلوقات!

۳۶- من كان يأتي بالبذور؟

- (۳) الفأرات (۴) الرياح

(۱) الفلاح (۲) اللّعينات المخفية

۳۷- ما هو مفهوم النص؟

- (۲) الحسرة سلاح من لا حيلة له!
(۴) عسى أن تكرهوا شيئاً و هو خير لكم!

(۱) من صبر في حياته نال ما طلبه!

(۳) لا تعجل، فإن العجلة من الشيطان!

■ عيّن الصحيح في التشكيل (۳۸ و ۳۹):

۳۸- «يرى هنا و هناك فأرات في إياب و ذهاب، كان يتصوّر أنّها من أسباب بروز هذه المشكلة»:

(۲) يتصوّر- أسباب- بروز- هذه

(۱) يرى- هنا- إياب- أسباب

(۴) فأرات- يتصوّر- أسباب- بروز

(۳) هناك- فأرات- إياب- يتصوّر

۳۹- «مرت الأيام و امتلأ الحقل بالأوراق و بالأغصان، أخيراً كشف السر»:

(۲) مرت- الأيام- الحقل- الأوراق

(۱) امتلأ- الحقل- كشف- السر

(۴) الحقل- الأوراق- الأغصان- السر

(۳) الأيام- امتلأ- الحقل- كشف

■ عيّن الصحيح في الإعراب و التحليل الصرفي (۴۰-۴۲):

۴۰- «أصبح»:

(۱) ماضٍ - للغائب - معتل و مثال - لازم - مبني على الفتح / من الأفعال الناقصة، اسمه «الحقل»

(۲) للغائب - مزيد ثلاثي من باب إفعال - مبني / فعل من الأفعال الناقصة و هي من النواسخ

(۳) فعل ماضٍ - للغائب - معرب / من الأفعال الناقصة و هي من النواسخ، اسمه «الحقل»

(۴) مزيد ثلاثي من باب إفعال - متعدّد - مبني للمعلوم / فعل من النواسخ و خبره «فارغاً»

۴۱- «يمشي»:

(۱) مزيد ثلاثي من باب إفعال - لازم - معرب / فعل و مع فاعله جملة فعلية و خبر «كان» و منصوب محلاً

(۲) مضارع - للغائب - متعدّد - مبني للمعلوم / فعل و فاعله الضمير المستتر، و الجملة فعلية و خبر «كان»

(۳) فعل مضارع - مجرد ثلاثي - معتل و ناقص / فعل مرفوع و فاعله ضمير «أنت» المستتر و الجملة فعلية

(۴) مجرد ثلاثي - معتل و ناقص - معرب / فعل مرفوع و فاعله ضمير «هو» المستتر و الجملة فعلية

۴۲- «البياتين»:

(۱) جمع تكسير (مفرد: بستان، مذكر) - معرّف بأل - معرب / مضاف إليه و مجرور

(۲) اسم - جمع تكسير (مفرد: بستان، مذكر) - جامد / مضاف إليه و مجرور بالياء

(۳) اسم - جمع سالم للمذكر - معرّف بأل / مضاف إليه و مجرور بعلامة أصلية

(۴) جمع سالم للمذكر - جامد - معرّف بأل - معرب / مضاف إليه و مجرور

■ عيّن المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۴۳-۵۰):

۴۳- عيّن الفعل لا تظهر علامة الإعراب في آخره:

- (۲) إنّ الذين يتخذون الشيطان وليّاً، لا يرجي منهم الخير!
(۴) الإعجاز في القرآن هو أن يقع كل لفظ في مكانه المناسب!

(۱) النظم في الأمور يعين الإنسان ليلبغ منه سريعاً!

(۳) إنّ اجتهد الإنسان في نيل أهدافه سوف يحصل عليها!

۴۴- عيّن حرف العلة «الياء» محذوفاً:

(۲) إنّهين الناس عن المنكر أنّها المؤمنات!

(۱) هم يرجون ربّهم في جميع أمور الحياة!

(۴) لم أنس نصائحك المفيدة في ذلك اليوم!

(۳) كيف تدعين الدرس و المدرسة دون سبب!

۴۵- عین نائب الفاعل ليس ضميراً مستتراً:

- (۱) لم يُؤدِّد كلام هذا العالم في الجلسة الماضية!
 (۲) من قصد الحياة الطيبة مُنع من التكاثر!
 (۳) كأن عقولهم قد غُسلت فتغيّر طريق حياتهم!
 (۴) إن نفسك تُختبر بمصائب صعبة في الحياة!

۴۶- عین ما ليس فيه المفعول فيه:

- (۱) لقد طرق الباب ساعات و لكن لم يفتحه أحدٌ، لأن البيت كان فارغاً و الأسرة كلها قد سافرت!
 (۲) إن أردت أن تصل إلى النجاح الكبير، فعليك أن تخصص ساعات كثيرة للجدّ و العمل!
 (۳) اليوم أثبتت الأبحاث العلميّة أنّ الرياضة تلعب دوراً مهمّاً في صحّة الجسم و الروح!
 (۴) كنت أتصوّر أيام شبابي أنني لو كبرت تكثر أوقات فراغتي للمطالعة!

۴۷- عین الوصف جملةً:

- (۱) من آمن و أنفق من أمواله الطيبة في سبيل الحقّ نجا!
 (۲) إنّ اللحم غداء مفيد تُكنز فيه مقادير كثيرة من البروتين!
 (۳) لا تُشغل نفسك بأمر غير مهمّة فتغفل عمّا ينفعك و يُهمك!
 (۴) على المرء أن يتواضع لمن علّمه و يحاول أن يصبح أفضل منه!

۴۸- عین ما فيه اهتمام و عناية على «وقوع الفعل» فقط:

- (۱) من عرف نفسه و ربّه حقّاً، لا يعتمد بما عنده عارية!
 (۲) اتّخذ عزماً راسخاً و اعلم أنّ من أراد و سعى، نجا من الفتنة!
 (۳) إنّ الذي خلق خلقاً عظيماً، يفتنهم بالبليات و المصائب حتّى يعرفوا أنفسهم!
 (۴) لا يغفل الخالق عن إطعام المخلوق، و إنّما هو الذي يغفل عن الخالق غفلةً شديدة!

۴۹- عین العبارة التي تبين حالة الفاعل:

- (۱) إنّ الأنبياء يهدون الناس ضالّين!
 (۲) نَبّهته أمّه نادماً من عمله السيئ!
 (۳) استيقظت الطفلة من النوم قلقاً!
 (۴) لُساعد إخواني المسلمين مظلومين!

۵۰- عین المستثنى منه محذوفاً:

- (۱) ما أنفقت جدّتي طول حياتها إلّا ما في يدها!
 (۲) اعتمد الناس على نفوسهم في الدنيا إلّا الخائفين منها!
 (۳) وهب ألبسته فقيراً قد مرّ بداره إلّا واحداً منها!
 (۴) ما سمعت خبراً من التلفاز إلّا الأخبار الاقتصادية!

وقت پیشنهادی: ۱۷ دقیقه

دين و زندگى

- ۵۱- با توجه به آیهی شریفهی «ستریهم آیاتنا فی الآفاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق اولم یکف برّبک انه على کل شیء شهید» «کفایت و بس بودن پروردگار» به این است که
 (۱) عالم وجود محضر اوست.
 (۲) آفاق و انفس مخلوق اوست.
 (۳) آفاق و انفس، دلالت بر حقانیت او دارند.
 (۴) راه سیر در آفاق و انفس را برای انسان، هموار نموده است.
- ۵۲- انسانی به آسانی تن به گناه می دهد و ذلت آرایش به گناه را برای خود فراهم می کند که باشد زیرا عامل فرو غلتیدن در جنزار گناه، است. جملهی «فقعوا له ساجدین» بیانگر آن است که سجدهی فرشتگان بر آدم، می باشد.
 (۱) جاهل به جایگاه خود- فطرت ستیزی- معلول بهره مندی از روح الهی
 (۲) جاهل به جایگاه خود- بی توجهی به آخرت- زمینه ساز تسویهی آدم به قدرت خداوند
 (۳) غافل از خدا و آخرت- فطرت ستیزی- زمینه ساز تسویهی آدم به قدرت خداوند
 (۴) غافل از خدا و آخرت- بی توجهی به آخرت- معلول بهره مندی از روح الهی
- ۵۳- آیهی شریفهی «ان هی اّلا حیاتنا الدنيا نموت و نحیا و ما نحن بمبعوثین» بیانگر
 (۱) اعتقاد کسانی است که نمی توانند خود را از اندیشهی مرگ و نابودی پس از آن نجات دهند.
 (۲) اعتقاد کسانی است که راه غفلت از مرگ را در پیش گرفته اند و امیدوی به حیات مجدد ندارند.
 (۳) عدم اعتقاد کفار به آخرت و منحصر کردن زندگی به همین زندگی دنیایی است.
 (۴) انکار ملاقات پروردگار و رضایت دادن و قناعت کردن به زندگی دنیایی است.
- ۵۴- از کتاب حذف شده است.

۵۵- آیات شریفه‌ی «قالوا یا ویلنا من بعثنا من مرقدنا...» و «فأذاهم جمیع لدینا محضرون» و «و القت ما فیها و تخلت» به ترتیب بیانگر کدام نفع صور است؟

(۱) اول - اول - دوم (۲) دوم - دوم - اول (۳) دوم - دوم - دوم (۴) اول - اول - اول

۵۶- پس از این که دوزخیان دچار عذاب شدند، ناله‌ی حسرتشان برمی‌خیزد و می‌گویند.....

(۱) بزرگان ما و شیطان با وعده‌های دروغ سبب گمراهی ما شدند.

(۲) ای کاش ما خدا را فرمان می‌بردیم و پیامبر خدا را اطاعت می‌کردیم.

(۳) ما را از این‌جا بیرون بر. اگر به دنیا بازگردیم عمل صالح انجام می‌دهیم.

(۴) پروردگارا شقاوت بر ما چیره شد و ما مردمی گمراه بودیم. ما را مشمول عفو خود گردان.

۵۷- با توجه به آیه‌ی شریفه‌ی ۵۸ سوره‌ی فرقان که می‌فرماید: «و توکل علی الحی الذی لایموت و سبّح بحمده و کفی به بذنوب عباده خبیراً» کسانی بر خدا توکل می‌کنند که.....

(۱) به صفات کمال خداوند، ایمان داشته باشند و از آلودن خویش به گناه، برحذر باشند.

(۲) حیات را صفت ذات خدا بدانند و زبان به حمد و تسبیح او بکشایند و خود را در محضر او بیابند.

(۳) ایمان به وحدانیت خدا داشته باشند و حمد و ستایش او را وسیله‌ای برای دوری از گناهان قرار دهند.

(۴) خدا را از هر عیبی منزّه بشمارند و او را در بر آوردن خواسته‌ها، قادر و توانا بدانند و تسبیح مستمر او را دنبال کنند.

۵۸- از کتاب حذف شده است.

۵۹- حضرت یوسف علیه السلام در قرآن، یکی از مظاهر برجسته‌ی عفاف معرفی شده است. آیه‌ی شریفه‌ی حکایت‌گر این ارزش والای او است.

(۱) «قال معاذ الله انه ربی احسن مثنوی انه لا یفلح الظالمون» (۲) «ارباب متفرقون خیر ام الله الواحد القهار»

(۳) «و ما ابرئ نفسی ان النفس لامارة بالسوء الا ما رحم ربی» (۴) «و قال الذی اشتراه من مصر لامرأته اکرمی مثنوا عسی ان ینفعنا»

۶۰- پیام مستنبط از آیات زیر پاسخ‌گویی به اصیل‌ترین نیاز انسان است به‌جز آیه‌ی شریفه‌ی

(۱) «من عمل صالحاً من ذکر او انثی و هو مؤمن فلنحییته حیاة طیبة و لنجزینهم اجرهم باحسن ما کانوا یعملون»

(۲) «ان هذا القرآن ینزل الی الیوم و یشیر المؤمنین الذین یعملون الصالحات ان لهم اجرا کبیراً»

(۳) «و الله اخرجکم من بطون امهاتکم لا تعلمون شیئاً و جعل لکم السمع و الابصار و الأفئدة لعلکم تشکرون»

(۴) «و منهم من یستمعون الیک افانت تسمع الصم و لو کانوا لا یعقلون»

۶۱- آن‌جا که الگوگیری از پیامبری به «گمراهی و انحراف بینجامد» زمانی است که پیامبری در مقام معصوم نباشد و به‌سوی گناه نرفتن پیامبران و گرفتار نشدن آنان به خطا و اشتباه، برخاسته از می‌باشد.

(۱) تعلیم و تبیین دین - ایمان و تقوا و بینش عمیق آنان (۲) تعلیم و تبیین دین - لطف خاص الهی نسبت به آنان

(۳) اجرای فرمان‌های الهی - ایمان و تقوا و بینش عمیق آنان (۴) اجرای فرمان‌های الهی - لطف خاص الهی نسبت به آنان

۶۲- از کتاب حذف شده است.

۶۳- پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در حدود سال سوم بعثت در یک دعوت آشکار و در پایان به آنان فرمود: «کدام یک از شما مرا در این راه کمک می‌کند...» این اقدام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نشان می‌دهد که

(۱) عامه مردم را به توحید دعوت کرد - جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چنان اهمیتی دارد که از همان روزهای اول دعوت باید برای مردم مشخص شود.

(۲) خویشان خود را انداز داد - جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چنان اهمیتی دارد که از همان روزهای اول دعوت باید برای مردم مشخص شود.

(۳) خویشان خود را انداز داد - امام همه‌ی مسئولیت‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جز دریافت و ابلاغ وحی را دارد و تنها خداوند می‌تواند فرد شایسته‌ی مقام امامت را معرفی کند.

(۴) عامه مردم را به توحید دعوت کرد - امام همه‌ی مسئولیت‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جز دریافت و ابلاغ وحی را دارد و تنها خداوند می‌تواند فرد شایسته‌ی مقام امامت را معرفی کند.

۶۴- «فراهم آمدن زمینه‌های تحقق اغراض شخصی در تحریف احادیث» و «بی‌بهره ماندن محققان از یک منبع هدایت» به ترتیب از پی‌آمدهای نامیمون و بود.

(۱) ممنوعیت از نوشتن احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم - ممنوعیت از نوشتن احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

(۲) ممنوعیت از نوشتن احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم - تحریف در اندیشه‌های اسلامی و جعل احادیث

(۳) تحریف در اندیشه‌های اسلامی و جعل احادیث - ممنوعیت از نوشتن احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

(۴) تحریف در اندیشه‌های اسلامی و جعل احادیث - تحریف در اندیشه‌های اسلامی و جعل احادیث

۶۵- معنای «غیبت» برای آخرین حجّت الهی، بقیّة الله الأعظم ارواحنا فداه به این معنی

(۱) نیست که لطف خود را از دوستان، دریغ فرمایند. (۲) است که برای جذب الطاف الهی او باید شایستگی داشت.

(۳) است که از نظرها غایب‌اند و در جامعه حضور ندارند. (۴) نیست که آن وجود مقدّس در جامعه حضور ندارند.

۶۶- از کتاب حذف شده است.

۶۷- به بیان امام علی (ع)، رهبر و مدیر جامعه باید در قبول و تصدیق سخن چین شتاب روا ندارد؛ زیرا

(۱) سخن چینان آتش بیار معرکه‌ی فتنه‌انگیزی‌اند.

(۲) دستور خداوند بر عدم اطاعت از سخن چین مسخره‌گر، صراحت دارد.

(۳) افرادی این‌چنین در لباس نصیحت ظاهر می‌شوند، اما خیانت‌کارند.

(۴) عمل سخن‌چین مقبول فطرت پاک انسانی نیست و عقل سلیم از قبول آن ابا دارد.

۶۸- مهم‌ترین وظیفه‌ی پدر و مادر، و مدیریت عمومی خانواده می‌باشد.

(۱) ایجاد زمینه‌ی مناسب برای رشد و تعالی خانواده است- مقدم بر مدیریت داخل خانه

(۲) ایجاد زمینه‌ی مناسب برای رشد و تعالی خانواده است- با مرد و مدیریت داخل خانه با زن

(۳) ایجاد آرامشی است که با بودن در کنار یکدیگر حاصل می‌شود- مقدم بر مدیریت داخل خانه

(۴) ایجاد آرامشی است که با بودن در کنار یکدیگر حاصل می‌شود- با مرد و مدیریت داخل خانه با زن

۶۹- از کتاب حذف شده است.

۷۰- از کتاب حذف شده است.

۷۱- از کتاب حذف شده است.

۷۲- پیام آیات شریفه‌ی «یا ایها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک ...» و «لو کنا نسمع او نعقل ...» به ترتیب بیانگر و است که از

لوازم برنامه‌ریزی برای است، می‌باشد.

(۱) یاد معاد و روز حساب- افزایش معرفت به خداوند- اخلاص

(۲) راز و نیاز با خداوند- افزایش معرفت به خداوند- ایمان

(۳) راز و نیاز با خداوند- تقویت روحیه‌ی حق‌پذیری- ایمان

(۴) یاد معاد و روز حساب- تقویت روحیه‌ی حق‌پذیری- اخلاص

۷۳- از کتاب حذف شده است.

۷۴- از کتاب حذف شده است.

۷۵- از کتاب حذف شده است.

وقت پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

زبان انگلیسی

■ ■ Grammar and Vocabulary

76- He has not seen his old friends he arrived here last week.

1) since 2) when 3) so that 4) so as to

77- Cleveland has always been referred to as a dirty, boring city, now they say it is much better.

1) as 2) because 3) though 4) whether

78- Mark: Why didn't he ring the bell before coming?

Sarah: He always rings the bell. You out when he came.

1) must be 2) should be 3) should have been 4) must have been

79- I am sorry to say that the plane will arrive at its one hour later than usual.

1) space 2) journey 3) destination 4) situation

80- You really me when you mentioned my mistakes in the presence of my classmates.

1) compared 2) introduced 3) generalized 4) embarrassed

81- The of advertising is to create a unique image for your company.

1) prediction 2) function 3) reference 4) involvement

82- Don't talk. You may the driver's attention from the road.

1) distract 2) damage 3) stretch 4) recognize

83- No one believed what he said; his excuse was not

1) efficient 2) reasonable 3) artificial 4) complex

84- A: Do you have any news about Ted for me?

B: No. I haven't seen him

1) lately 2) briefly 3) commonly 4) suitably

85- I try to two hours every night to my school work.

1) estimate 2) devote 3) spend 4) enhance

■ ■ Cloze Test

"I stood up to speak and my ...(86)... went blank". Has this ever happened to you? You may be nervous in front of an audience. You may be worried that you didn't prepare enough. You ...(87)... some of your facts. What can you do? Sometimes people prepare too much and become ...(88)... if they can't remember the words they practiced. It is a good idea to bring some notes to help you ...(89)..., but don't memorize your speech. If you "go blank", begin by explaining the ...(90)... of your speech, and the rest will probably follow.

- | | | | |
|----------------------|-----------------|--------------------------|-----------------------|
| 86- 1) humor | 2) presentation | 3) mind | 4) impression |
| 87- 1) should forget | 2) must forget | 3) should have forgotten | 4) may have forgotten |
| 88- 1) surprising | 2) frightened | 3) destructive | 4) emotionless |
| 89- 1) organize | 2) support | 3) prevent | 4) define |
| 90- 1) issue | 2) aspect | 3) purpose | 4) posture |

■ ■ Reading Comprehension

■ Passage I:

Camping is an outdoors recreation enjoyed by people all over the world. It is an excellent way to explore the countryside. Many people learn to camp with an organization such as the Scouts. Others may get their first taste of camping on a camping holiday in the mountains or beside the sea. In many countries, there are special camp sites for tourists, so you do not always have to carry a tent with you. The camp site may provide one.

It is fun, however, to learn the basic skills of camping: how to pitch (put up) a tent, how to make a fire for cooking, how to pack a rucksack, how to keep your camp clean and tidy, how to strike (pack up) camp. Camping organizations can give much help and advice, and there are many useful books to read.

Before making camp, you must always make sure you have permission from the owner of the land on which you want to camp. Next, it is important to choose the right spot- away from cliff edges or wet soft places, and not beneath trees (branches may fall, and if it rains, the water will fall on your tent).

Choose level ground, if possible. Make sure you have fresh drinking water available, perhaps it is necessary to use it later on.

- 91- According to the passage, camping is
- | | |
|---|---|
| 1) a global activity | 2) a way to attract tourists |
| 3) done by people living in the countryside | 4) specially for people who are with the Scouts |
- 92- The word "one" in line 4 refers to
- | | | | |
|---------|---------|------------|------------|
| 1) site | 2) tent | 3) tourist | 4) country |
|---------|---------|------------|------------|
- 93- Which of the following best shows the main focus of paragraph 2?
- | | | | |
|--------|------------------|------------|-----------|
| 1) Fun | 2) Organizations | 3) Cooking | 4) Skills |
|--------|------------------|------------|-----------|
- 94- According to the passage,
- 1) cliff edges are wonderful to watch
 - 2) camping near the sea is a rare event
 - 3) it is not wise to pitch a tent beneath a tree
 - 4) most land owners enjoy letting people camp on their land
- 95- Paragraph 3 is intended to give the reader information about
- | | |
|--|--|
| 1) where to camp | 2) what to do during an emergency |
| 3) who to contact before going camping | 4) what to take with you on a camping trip |

■ **Passage II:**

Eye contact is a nonverbal technique that helps the speaker "sell" his or her ideas to an audience. Eye contact also helps hold listener interest. A successful speaker must try to have eye contact with an audience. To have a good relationship with listeners, a speaker should make direct eye contact for at least 75 percent of the time. Some speakers focus only on their notes. Others gaze over the heads of their listeners. Both are likely to lose audience interest and respect. People who make eye contact while speaking, whether from a podium or from across the table, are "considered not only as exceptionally good at speaking by their target but also as more believable and serious."

To show the power of eye contact in daily life, we have only to consider how people behave when they happen to look at each other on the street. At one extreme are those people who feel forced to smile when they make eye contact. At the other extreme are those who feel not relaxed and immediately look away. To make eye contact, it seems, is to make a certain link with someone.

96- What is the main idea of the passage?

- 1) How to Make Eye Contact
- 2) When and Where to Avoid Eye Contact
- 3) Eye Contact as a Means of Communication
- 4) Effect of Eye Contact on People's Daily Behavior

97- What does the author imply eye contact can do when he says, "... helps the speaker "sell" his or her ideas to an audience" (line 1)?

- 1) It can help the speaker become famous and make money as a result.
- 2) It involves messages not included in the language used by the speaker.
- 3) It can make an audience ready to buy whatever the speaker offers for sale.
- 4) It can increase the possibility of people's accepting the speaker's opinions.

98- According to the passage, who is more likely to be more respected by an audience?

- 1) A speaker who gazes over the heads of the people to whom he is talking.
- 2) A speaker who looks away when feeling bad if people on the street look at him.
- 3) A speaker who has notes and looks at his notes most of the time while speaking.
- 4) A speaker making eye contact with the audience during most of his speech.

99- Which one of the following could be put in place of the word "target" in line 6 without a change in meaning?

- 1) Technique
- 2) Audience
- 3) Eye contact
- 4) Interest and respect

100- The writer of the passage tries to prove his main point in paragraph 2 by

- 1) providing an example
- 2) reporting an event that happened in his own life
- 3) saying that people who dislike eye contact are few in number
- 4) mentioning the various advantages of eye contact in ordinary people's daily life